

حمایت از خانواده‌های زندانیان زن در سیاست جنایی قضایی و اجرایی

جمهوری اسلامی ایران

علیرضا میلانی^۱

سعیده یاری^۲

تاریخ داوری: ۱۴۰۳/۸/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۲

چکیده

خانواده اولین واحد بنیادین هر جامعه به شمار می‌آید. این نهاد در جوامع مختلف بنا به ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دارای ارزش و اعتبار متفاوت است. در نظام حقوقی ما، قانون اساسی با تأکید بر اهمیت نهاد خانواده، در اصول متعدد سعی در تکریم این نهاد اجتماعی بوده و قانونگذار عادی را مکلف نموده است تا با وضع قوانین لازم‌الارکان آن را مستحکم سازد. در همین راستا نهادهای خدماتی متعددی موظف به حمایت‌های از خانواده زندانیان می‌باشند. هدف پژوهش حاضر نگاهی بر ابعاد حمایت از خانواده زندانیان زن در نظام حقوقی ایران می‌باشد. این پژوهش با به کارگیری شیوه اسنادی و بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی اقدامات صورت گرفته از سوی نهادهای حقوقی و اجتماعی حمایت از حقوق خانواده‌های زندانیان زن در نظام حقوقی ایران می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان دهنده این است که قوه قضائیه در آیین نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی با در نظر گرفتن خانواده زندانیان و حمایت از آنان تدابیر و

۱. نویسنده مسؤؤل (علیرضا میلانی: دکترای تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، (عضو هیأت علمی)، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد اسلامشهر)، ایران. Email: alirezamillani@yahoo.com

۲. سعیده یاری: دانشجوی مقطع دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس. Email: Saeidehyari705@gmail.com





اقدامات مناسبی را اتخاذ نموده است. لذا می‌توان اذعان داشت که تحلیل و بررسی پیرامون عملکرد دستگاه قضا و نهادهای وابسته به آن و همچنین نهادهای که در جهت حمایت از خانواده زندانیان هستند و ارائه راهکارهای مناسب در جهت حمایت‌های هر چه بیشتر از خانواده‌های زندانیان زن چه بسا می‌تواند باعث آسیب پذیری کمتری به آنان باشد.

واژگان کلیدی: خانواده زندانیان زن، سیاست جنایی قضایی ایران، آیین نامه سازمان زندان‌ها.

مقدمه

خانواده یکی از نهادهای اجتماعی نخستین است که در اشکال مختلف در هر جامعه‌ای یافت می‌شود، بنابراین، این نهاد، هسته نخستین پیوند اجتماعی انسان را بنیان می‌نهد و با تأمین مجموعه‌ای از نیازهای انسانی، عهده دار نقش‌ها و کارکردهای ویژه‌ای است. بقایای سکونت‌های انسان ماقبل تاریخ دلیل روشنی بر وجود سکونت گاه‌های خانوادگی می‌باشد که از قدیمی‌ترین نهاد بوده است و شالوده حیات اجتماعی محسوب می‌گردد و گذشته از وظیفه فرزندآوری و پرورش کودک در نتیجه استمرار نسل‌ها و بقاء نوع بشر نقش‌ها و وظایف متعدد دیگری از قبیل فعالیت اقتصادی، آموزش و پرورش، اجتماعی کردن فرد، را نیز بر عهده دارد. (فلاح تفتی و مؤذن کلور، ۱۴۰۰: ص ۸۱) لذا، خانواده به عنوان یکی از مهمترین و مؤثرترین نهادهای اجتماعی است که قواعد اخلاقی در آن جایگاه ویژه‌ای دارد، نقش به‌سزایی در سرنوشت افراد جامعه دارد و هرگونه تغییر و تحول در این نهاد ممکن است در کل جامعه تأثیرگذار باشد. از این گذشته کودکان آسیب پذیرترین اعضای خانواده هستند و اگر از خانواده‌ی زندانی باشند خطرات بیشتری آنان و بالطبع مجموعه خانواده (همسر و فرزندان) را تهدید می‌کند. بنابراین زندانی شدن یکی از اعضای خانواده، به ویژه زنان زندانی به دلیل عدم حضور زن به عنوان عضو اصلی خانواده با مسائل و مشکلات مختلفی روبرو هستند که طیفی وسیعی از مشکلات اقتصادی، عاطفی، اجتماعی و تربیتی، بهداشتی و روانی را در برمی‌گیرد.^۱

۱- کسی که به زندان می‌افتد خواه ناخواه خانواده خود را در معرض خطر قرار می‌دهد و اگر این عضو زندانی یکی از والدین به ویژه زن یا مادر باشد تأثیرپذیری خانواده به مراتب بیشتر می‌شود. از طرفی با توجه به اهمیت و نقش اساسی خانواده در جامعه و کارکرد تربیتی و اصلاحی و رشدی خانواده، اعمال آسیب به آن به معنای آسیب به جامعه است و دفاع از حقوق و حریم خانواده یک مسؤولیت سنگین و مهم مدیران و تصمیم‌گیران مسائل اجتماعی است. معمولاً تأثیرپذیری خانواده از زندانی شدن یکی از والدین در دو بخش همسر و فرزندان بحث می‌شود. به عبارت دیگر، یک دسته از عوارض زندانی شدن متوجه همسر او می‌شود و دسته دیگر متوجه فرزند یا فرزندان او می‌گردد که ممکن است این عامل بر بزهکار شدن فرزند دخیل باشد. که این دو دسته مشکل خود مشکلات دیگری برای خانواده به بار می‌آورد.





همچنین زندان پیامدهای مختلفی بر خانواده و جامعه دارد و ممکن است موجب از هم گسیختگی خانوادگی شود. در سطح خرد و کلان برخی از این پیامدها عبارتند از: کاهش فرصت‌های شغلی برای زندانیان آزاد شده، افتادن بار مسؤلیت مالی و روانی بردوش خانواده‌ها و نیز انحراف مسیر سرمایه‌ها در مدارس و دانشگاه‌ها، افت تحصیلی،^۱ بزهکاری در سنین نوجوانی، بیماری‌ها و اختلالات روحی و روانی برای فرزندان می‌شود. (فرقدان، ۱۳۸۹: ص ۲۶)

خانواده‌های زندانیان زن، به دلیل مسائل و مشکلات ذکر شده نیازمند توجه دوچندانی از طرف سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی هستند، همچنین حمایت در قالب تدابیر پیشگیرانه لازم و ضروری است تا هم بنیان خانواده را حفظ کنند و هم مشکلات ذکر شده در خانواده به جامعه کشیده نشود. منظور از سیاست جنایی قضایی یعنی سیاست جنایی تقنینی، آن طور که مورد برداشت، تفسیر و عمل قضات قرار می‌گیرد. (عظیمی زاده اردبیلی و حسابی، ۱۳۹۰: ص ۱۲۰) در خصوص سیاست جنایی اجرایی می‌توان گفت که اعمال راهکارهای اساسی و مؤثر پیرامون کاهش بزهکاری در جامعه به وسیله تصویب نامه و آئین نامه‌هایی که هر یک از بدنه قوه مجریه بدان عمل می‌نمایند می‌باشد. (کوشا و دهقانی سانج، ۱۳۹۶: ص ۹۰) در همین راستا، در آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی سال ۱۴۰۰ و سازمان‌های حمایتی ذی ربط و یا در اساسنامه‌های بخش‌های خصوصی زیر نظر سازمان زندان‌ها از جمله انجمن حمایت از زندانیان و خانواده‌های آنان، ستاد دیه^۲ و بنیاد تعاون

۱- نتایج برخی تحقیقات حاکی از آن است که زندانی شدن والدین بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر منفی می‌گذارد. در پژوهشی میدانی، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارای والدین زندانی (پدر یا مادر) قبل از زندانی شدن و بعد از گذشت حداقل ۶ ماه از زندانی شدن، مقایسه شده است. در این پژوهش، این نتیجه به دست آمد که زندانی شدن والدین بر وضعیت تحصیلی فرزندان تأثیر منفی شدید گذاشته است. (معروفی، ۱۳۸۹: ص ۴۶۹)

۲- ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند به منظور کمک به زندانیان دربند و خانواده‌های آنان در جهت پرداخت دیه و محکومیت‌های مالی و ضرر و زیان ناشی از جرم، در سال ۱۳۷۸ به طور رسمی فعالیت خود را آغاز نمود. هدف از ایجاد ستاد، جذب کمک‌های اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دولتی و غیردولتی و نهادها و ارگان‌های داخلی و خارجی، به منظور کمک به زندانیان نیازمندی که به واسطه عدم کفایت دارائی، قادر



زندانیان حمایت‌های اجتماعی و حقوقی این دست از خانواده‌ها گام‌های مهمی در این زمینه برداشته شده است. همچنین دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه ۱۳۹۸، که از اقدامات سیاست جنایی قضایی است سخن به میان آمده است^۱ و با عنایت به اینکه اکثر این دسته از خانواده‌ها از وجود چنین حمایت‌های قانونی بی اطلاع بوده و یا گاهی به دلیل ندانستن حقوق خود دچار عسر و حرج شده و یا برای امرار معاش و یا به جهت ندانستن حقوق خود، زنان و کودکان در این خانواده‌ها مرتکب جرم می‌شوند. با توجه به اهمیت خانواده زندانیان زن و نقش آنها در بازگشت به محیط طبیعی و مسیر خارج از ارتکاب جرم، پژوهش حاضر می‌تواند راهنمای مناسبی برای عوامل دخیل در این امر باشد که می‌تواند تأثیر به‌سزایی در وضعیت خانواده زندانیان زن داشته باشد پس از مطالعات مشخص گردید که در باب این موضوع هیچگونه کار پژوهشی که در بردارنده همه ابعاد مسأله باشد صورت نگرفته است؛ بنابراین بررسی حمایت از حقوق خانواده‌های زندانیان زن در سیاست جنایی قضایی و اجرایی به صورت طرحی جامع، از نوآوری‌های این پژوهش است. بنابراین در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که سیاست قضایی جنایی و اجرایی در حمایت از خانواده

به پرداخت جزای نقدی و یا رد عین یا مثل یا قیمت دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم نباشد. این سازمان مردم نهاد از طریق آزادسازی زندانیان جرایم غیرعمد و انجمن حمایت از زندانیان از طریق کمک‌های مالی و مددکاری به خانواده زندانیان نیازمند عموماً جرایم غیرعمد و یا بدهکاران مالی در راستای کاهش آسیب‌ها به آنان، اقدامات مؤثری را انجام می‌دهند.

۱- بنا بر مصوبه ی ۵/۳/۱۳۸۸ در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی و بنا به پیشنهاد رئیس قوه قضائیه به عنوان روز ملی حمایت از خانواده‌های زندانیان «نسیم مهر» نامگذاری شده است. این نامگذاری در راستای حمایت اقتصادی، معنوی، فرهنگی، روانی و اجتماعی از خانواده زندانیانی است که به دلیل نبود سرپرست خانوار با مشکلات عدیده ای مواجه بوده و در معرض آسیب‌های بیشتری قرار دارند نهادهای حمایتی در حد بضاعت خود به این خانواده‌ها خدمات ارائه می‌دهند، اما شرایط دشوار اقتصادی و کمبود اعتبارات این نهاد نمی‌تواند کمک زیادی به این خانواده باشد. برخی از این نهادها عبارتند از: انجمن حمایت از خانواده زندانیان، بنیاد تعاون حمایت از زندانیان، مراکز مراقبت بعد از خروج، ستادهای دیه، مراکز مشاوره و روان درمانی، بهزیستی، فنی حرفه ای، صنایع دستی، مراکز خیریه کمیته امداد امام خمینی، نهادهایی که در امر حمایت‌های اقتصادی نظیر آموزش‌های حرفه ای و ایجاد اشتغال و یا پرداخت وام و حمایت‌های فرهنگی فعالیت می‌کنند.



زندانیان زن چه تدابیر و اقداماتی اندیشیده است؟ برای پاسخ به پرسش مطرح شده می‌توان اینگونه پاسخ داد که در سیاست جنایی قضایی و اجرایی ایران تدابیر و اقدامات مهمی در جهت حمایت از خانواده زندانیان به ویژه خانواده زندانیان زن اندیشیده شده است هرچند کافی به نظر نمی‌رسد. نهادهایی نظیر سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، کمیته امداد امام خمینی (ره) و بنیاد تعاون زندانیان و ... همه و همه نهادهایی هستند که به حمایت از خانواده زندانیان به ویژه زنان می‌پردازند. از اینرو در پژوهش حاضر ابتدا ضمن اشاره به مبانی حمایت از حقوق خانواده‌های زندانیان زن به بررسی حمایت‌های که سیاست جنایی قضایی و اجرایی از جانب برخی نهادهای دولتی و غیردولتی از جمله کمیته امداد امام خمینی، انجمن حمایت زندانیان و وزرات آموزش و پرورش از خانواده زندانیان زن به عمل آمده می‌پردازیم و در نهایت اعطای نهادهای تأسیسی به زندانیان جهت کاهش استفاده از مجازات حبس را بحث خواهیم نمود.

۱- مبانی حمایت از حقوق خانواده‌های زندانیان

خانواده یک نهاد اجتماعی است که همواره وجود داشته و اهمیت آن به گونه‌ای است که بدون وجود این نهاد دوام جامعه میسر نیست. افراد در این محیط تحت پرورش قرار می‌گیرند زیرا این نهاد مبداء و هسته اولیه جوامع بشری می‌باشد و عامل انتقال فرهنگ، تمدن، ادب و سُنن است و به عنوان میانجی در اجتماعی شدن کودکان و همنوایی عمیق وی با هنجارهای اجتماعی نقش آفرین است. همچنین پایه‌های شخصیت افراد در این محیط بنیان‌گذاری می‌شود.

۱-۱- حمایت از حقوق خانواده‌های زندانیان در فقه

در دیدگاه اسلام، همه‌ی انسان‌ها در مراقبت و حمایت از یکدیگر مسؤولیت دارند و این تکلیفی است که بر عهده همه اعضای جامعه اسلامی نهاده شده است. در حدیث نبوی چنین آمده: «همه شما مراقب و نگاهبان یکدیگرید و از آن سؤال می‌شوید» (قشیری نیشابوری، ۱۳۳۴)



قمری، ص ۸) در این روایت نقش مراقبت و حمایت به عنوان یک نقش اجتماعی برای همه مسلمانان تعیین شده است که همه در برابر آن باید پاسخگو باشند از طرفی قطعاً یکی از اصول نظام اقتصادی اسلام، تأمین معیشت خانواده است در اسلام، قداست خاصی برای نهاد خانواده و نقشی محوری برای پاک سرشتی و شایسته پروری آن در نظر گرفته شده و از همه مهمتر یک بنای سالم و پویا و ماندگار در جامعه مبتنی بر نهاد مستحکمی به نام خانواده قرار داده شده است و همچنین اسلام کانون مقدسی را برای خانواده تعریف کرده است. تفکر مبتنی بر نظام اقتصادی اسلام، به جایگاه و شأن پدر و مادر به عنوان یک سرمایه بزرگ که می‌تواند از فروپاشی خانواده جلوگیری و به انتقال برکات کمک کند و می‌تواند به عنوان الگوهای بالنده در جامعه برای فرزندان و خانواده خود و برای جامعه الگوی ارزشی باشند، نگاه می‌کند و معتقد است که اعضای یک خانواده در کنار یکدیگر، خانواده‌ای کوچک را تبدیل به یک خانواده بزرگ به نام جامعه اسلامی می‌کنند.

با این وجود، در فقه برای خانواده‌های زندانیان حقوقی در نظر گرفته شده است که از جمله مهمترین آن می‌توان به قاعده ورز که بر شخصی بودن مجازات و عدم تعقیب شخص دیگر در قبال جرم هر شخص تأکید می‌کند اشاره دارد. عنوان قاعده ورز از آیه ۱۵ سوره مبارکه اسراء «لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى: هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد» و به این معنا است که مجازات تنها برای شخص بزهکار ثابت می‌شود نه دیگرانی که به نحوی به او وابسته هستند نظیر خویشان و نزدیکان و دوستان. این قاعده فقهی، از عناصر اصلی مجازات در اسلام و از مسلمات اسلامی نزد شیعه و اهل سنت شمرده شده است. (محقق داماد، ۱۳۸۳: ص ۱۶۳) از اینرو، در ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی ۱۳۳۹^۱، در مواقعی افرادی که مستقیماً مرتکب خطایی

۱- ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی مقرر می‌دارد: «کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون و یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران کننده نباشد».

نشده اند به علت مسؤولیت ناشی از عمل دیگری مسؤول جبران خسارت وارده شناخته می‌شوند با توجه به این ماده ملاحظه می‌گردد که در قانون مسؤولیت مدنی این قاعده به نحوی نقض شده است حال این سؤال مطرح است که آیا در مسائل کیفری نیز می‌توان این قاعده را در مواردی که آثار مجازات به خانواده مجرم نیز سرایت می‌کند استثنای پذیر بدانیم یا خیر؟ در این زمینه محمدحسن نجفی در جواهر الکلام بیان می‌دارد: «البته اگر چه در این اصل و قاعده، مجازات‌ها صرف اعمال کیفر در مورد بزهکاران را مورد توجه قرار می‌دهد اما نباید نادیده انگاشت که به هر تقدیری مجازات مجرم نمی‌تواند نسبت به خانواده‌ی او بی‌اثر باشد» (امیدیان و سبحانی، ۱۳۹۸: ص ۶) به عنوان مثال فردی به دلیل تصادف قصور ناشی از رانندگی به ۶ ماه حبس محکوم شده، که این حبس حتی تا یک هفته هم قابل تحمل نیست چرا که فرد به صورت عادی زندگی می‌کرده و شغل ثابت خود را در هر حوزه‌ای داشته است که همان مدت یک هفته حبس باعث می‌شود که فرد شغل خود را از دست بدهد و حتی در برخی مشاغل موجب تبعات مالی بسیار جبران ناپذیری گردد. با این اوصاف اصل مذکور در عمل فرضی غیرواقعی و استعاره‌ای بیش نیست؛ زیرا که آثار محکومیت بزهکار بالاجبار به اعضای خانواده او سرایت می‌کند و در سرنوشت آنان مؤثر واقع می‌شود. البته ذکر این نکته حائز اهمیت است که تدقیق در منابع فقهی نشان می‌دهد شارع از همان ابتدا با توجه به این حقیقت که زندان ضمن ناکارآمدی در اصلاح و بازپروری، به مجرم، خانواده، او و جامعه آسیب وارد می‌سازد، از آن به عنوان آخرین حربه برای مقابله با مجرمین خطرناک و مرتکبین جرم در جامعه استفاده نموده است. در حالیکه قانونگذار ایران غافل از این حقایق و برخلاف مبانی فقهی در خصوص ضرورت استفاده حداقلی از مجازات زندان، در مورد اکثر جرایم این مجازات را در نظر گرفته که توجیهی جز تقلید از غرب برای آن نمی‌توان یافت. (ایزدپناه و ایزدپناه، ۱۴۰۰: ص ۳۸۷)

۱-۲- حمایت از حقوق خانواده‌های زندانیان در سیاست جنایی قضایی و اجرایی

یکی از روش‌های که در تمامی سیستم‌های حقوقی دنیا به منظور جلوگیری از ارتکاب جرم توسط اشخاص مورد استفاده قرار می‌گیرد، ساز و کار کیفردهی یا عقوبت بزهکاران است. از انواع





مجازات می‌توان به مجازات‌های سالب حیات مانند اعدام مجازات‌های بدنی مانند تازیانه مجازات‌های سالب آزادی مانند حبس، مجازات‌های محدودکننده آزادی مانند تبعید، مجازات‌های محروم‌کننده از حق مانند انواع محرومیت‌ها و ممنوعیت‌ها مجازات‌های مالی مانند جزای نقدی و مصادره اموال و مجازات‌های سالب حیثیت مانند اعلام نام شخص در رسانه‌ها اشاره کرد مجازات سالب آزادی یا همان حبس و زندان مجازاتی است که حق آزادی اشخاص را که موهبتی الهی است به صورت دائم یا موقت از انسان بزهکار سلب کرده و او را در مکان مخصوصی به نام زندان قرار می‌دهد به طوری که دیگر قادر نخواهد بود هیچ یک از آزادی‌هایی را که اشخاص دیگر از آن بهره می‌برند اعمال کند.

برخی اوقات اعمال مجازات به نوعی مشکلات قابل توجهی برای خانواده و اعضای تحت تکفل او به وجود می‌آورد مشکلاتی که به مرور زمان حتی ممکن است حیات این اشخاص را نیز به مخاطره اندازد حال آنکه از مهمترین اصول حاکم بر حقوق اسلامی اصل شخصی بودن مجازات‌ها و قاعده وزر است.^۱ فقدان نظام جامع حمایتی و کمبود اعتبارات شرایط دشواری را برای زندگی روزمره خانواده زندانیان به ویژه همسران و فرزندان به وجود آورده است. به نحوی که حتی در اغلب موارد برای تأمین حداقل نیازها دچار بحران‌های جدی می‌شوند. در حالیکه باید دغدغه این خانواده‌ها صرفاً حبس سرپرست خانواده باشد نهادها و مؤسسات مختلفی برای حمایت از خانواده‌های زندانیان فعالیت می‌کنند اما صرف این کمک‌ها نیازهای خانواده زندانیان را مرتفع نخواهد کرد و مشکلات متعددی را برای آنها به وجود می‌آورد که تأمین نیازهای مادی تنها یکی از آنهاست. ابعاد مختلف آسیب‌های اجتماعی فرهنگی، اخلاقی و تربیتی وجود دارد که برای جلوگیری از تشدید آن استفاده از ظرفیت‌های قانونی و سیاست جنایی قضایی و اجرایی مناسب برای حضور سرپرست خانواده در کنار سایر اعضا مؤثر واقع

۱- شخصی بودن مجازات بدین معناست که مجازات باید فقط در مورد بزهکار اجرا شود و کسی را نباید به جرم دیگری کیفر داد. خداوند می‌فرماید: لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ بِه این معنی که هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نخواهد گرفت. عبارت «لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ» در پنج آیه از قرآن کریم آیه ۱۶۴ سوره انعام، آیه ۱۸ سوره فاطر آیه ۱۵ سوره اسراء، آیه ۷ سوره زمر و آیه ۳۸ سوره نجم بیان شده است.



می‌شود. پر واضح است که خانواده‌های زندانیان در صورت وضعیت نامناسب معیشتی زمینه مساعدتری برای روی آوردن به جرم دارند. این خانواده‌ها در واقع تهدید بالقوه‌ای هستند که در صورت حمایت نشدن، بزهکاران و زندانیان آینده می‌شوند و امنیت جامعه را به خطر می‌اندازند.

در صورت عدم حمایت از این خانواده‌ها شاهد رشد چشمگیر طلاق همسران زندانیان، ترک تحصیل فرزندان، ناهنجاری‌های اجتماعی و روانی، گرایش اعضای خانواده به مشاغل کاذب و تکدی‌گری، گرایش به سمت مواد مخدر خواهیم بود و باید این زنگ خطر را به صدا درآورد که در آینده باید شاهد ورود تعداد قابل توجهی از اعضای خانواده زندانیان به چرخه جرم باشیم.

با این وجود، در سیاست جنایی قضایی و اجرایی تدابیری اتخاذ شده است که چه قبل از صدور حکم و چه حین اجرای مجازات و حتی بعد از صدور حکم می‌تواند به زندانیان و خانواده آنان کمک کند. لذا قضات بایستی در زمان صدور حکم خانواده بزهکار را در نظر گیرند، موارد قانونی که در خصوص خانواده زندانیان محل توجه قرار می‌گیرد و قاضی اجرای احکام باید به آن توجه کند، در شورای طبقه بندی زندان در نظر گرفته می‌شود. این شورا متشکل از قاضی ناظر و اجرای احکام و همچنین مددکار زندان است^۱ که با توجه به نزدیکی به افراد یک گزارش و پرونده شخصیتی از زندانی‌ها به قاضی ارائه می‌کنند تا طبق سوابق وی نسبت به صدور حکم دایره تصمیم‌گیری داشته باشد.

از اینرو در مرخصی، تمدید مرخصی و حتی در قرار گرفتن در طبقات زندان مؤثر است که در

۱- قانونگذار این طبقه بندی را در تبصره ۱ ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ پیش بینی نموده است به دنبال آن ماده ۲۳ آیین نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی ۱۴۰۰، در همین راستا مقرر می‌دارد: «در هر مؤسسه، «شورای طبقه بندی» با ترکیب زیر و با حضور قاضی اجرا تشکیل می‌شود:

الف) قاضی اجرا (قاضی ناظر زندان) به عنوان رئیس شورا؛ ب) رئیس مؤسسه یا یکی از معاونان وی؛ پ) مسؤول واحد امور قضایی مؤسسه یا یک نفر از مددکاران قضایی به عنوان دبیر شورا؛ ت) رئیس اندرزگاه مربوط؛ ث) مسؤول واحد اصلاح و تربیت یا واحد فرهنگی مؤسسه؛ ج) مسؤول واحد حفاظت و اطلاعات مؤسسه؛ چ) مسؤول واحد بهداشت و درمان و یا روانشناس مؤسسه».



کشور ما طبقه بندی زندان سه گروه به نام بسته، نیمه باز و باز داریم.^۱ اگر شرایط و اوضاع و احوال زندانی و جرم اجازه دهد که در زندان نیمه باز قرار گیرد، می‌تواند خارج از محیط بسته زندان کار کند و شب در محیط بسته زندان قرار گیرد که این مهم به زندانی و خانواده او در حوزه معیشتی کمک می‌کند تا در طول زندان از فضای نیمه باز (نیمه آزادی) بهره مند شود و معیشت خود و خانواده اش را تأمین کند. لذا قضات می‌توانند در جهت کمک به خانواده زندانیان شرایط خانوادگی را در نظر بگیرند و از ظرفیت‌های قانونی مثل پابند الکترونیکی برای صدور حکم استفاده کنند. بنابراین طبق ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم جزو جهات تخفیف محسوب می‌شود و مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. همچنین در بند «ث» ماده مذکور ندامت، حُسن سابقه یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری مؤثر است یا در بند «ج» مقرر می‌دارد: «کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن» در تخفیف مجازات مؤثر است. همچنین به موجب ماده ۴۰ همین قانون در جرایم تعزیری درجه ۶ دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم شده است، در صورت وجود بعضی از شرایط (مانند جبران ضررو زیان، وجود جهات تخفیف، پیش بینی اصلاح مرتکب و ...) صدور حکم را به مدت ۶ ماه تا ۲ سال به تعویق اندازد. از اینرو در ادامه مبحث تدابیری که سیاست جنایی قضایی و اجرایی جمهوری اسلامی از جمله امکانات آگاهی از وضعیت زندانی، حق ملاقات خانواده‌های زندانی با زندانی، مرخصی زندانیان، حق اشتغال زندانی، حمایت اقتصادی نهاد زندان از خانواده زندانیان، و ... مصادیق هستند که در

۱- ماده ۱ آیین نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی ۱۴۰۰، بیان می‌دارد: «... (ب) مؤسسه کیفری: که در این آیین‌نامه به اختصار «مؤسسه» نامیده می‌شود، واحدی زیرمجموعه سازمان است که متهم یا محکوم به دستور مرجع قضایی یا قانونی صلاحیتدار، بازداشت و یا برای تحمل محکومیت حبس با هدف اصلاح و تربیت و بازسازی اجتماعی در آنجا نگهداری می‌شود که انواع آن عبارتند از: زندان‌های بسته، نیمه باز، مرکز حرفه-آموزی و اشتغال یا زندان باز، بازداشتگاه، اردوگاه کاردرمانی و کانون اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان؛ ...»



حمایت از خانواده زندانیان به ویژه زندانیان زن در نظام حقوقی گنجانده شده می‌پردازیم.

۱-۲-۱- آگاه نمودن خانواده از زندانی شدن

مطلع ساختن خویشاوندان و بستگان متهم نسبت به دستگیری و بازداشت وی، این امکان را برای وابستگان او فراهم می‌آورد تا تدابیری اولیه لازم برای بهره‌مندی مناسب وی از حقوق قانونی از جمله حقوق دفاعی او را فراهم نمایند. تسریع در مطلع ساختن وابستگان متهم موجب می‌شود که آنها بتوانند در صورت نیاز به وکیل مدافع و تأمین اقدامات دفاعی مناسب اقدام نمایند. برخورداری شخص زندانی از این حق، تکلیف و مسؤولیت رعایت این حق را به کارکنان بخش‌های مختلف فرآیند کیفری، به ویژه افسران پلیس تحمیل می‌کند. در مرحله نخست، فرد تحت نظر و بازداشت شده باید نسبت حقوق قانونی خود در این زمینه مطلع شود. هر چند حس بدبینی موجود در فرهنگ سازمانی پلیس در مورد متهمان، و نیز نگرانی نسبت به پیامدهای سوء احتمالی این اطلاع‌رسانی از جمله از بین رفتن ادلیه جرم و فرار سایر متهمان موجب شده است مأموران پلیس تمایل چندانی به رعایت این حق نداشته باشید و رعایت این حق را در تضاد با انجام تحقیقات پلیسی موفق بدانند. (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۰: ص ۱۶)

۱-۲-۲- مرخصی زندانیان برای دیدار با خانواده

از منظر روان‌شناختی، تقویت عواطف مجرم و تعلقات خانوادگی او یکی از راه‌های بازپروری و درمان است. قطع ارتباط زندانیان به ویژه زنان به کاهش تعلقات عاطفی و خانوادگی می‌انجامد، در حالیکه تماس‌های آزاد و مستمر تلفنی، مرخصی و ملاقات زندانی تأثیری چشمگیر بر جلوگیری از فروپاشی نهاد خانواده و تکثیر ناهنجاری و جرم دارد و نمی‌گذارد یک مجرم در جرم خویش راسخ‌تر شود و رفتار او به اعضای خانواده اش تسری پیدا کند. علاوه بر این، تماس‌های یاد شده سبب تقویت امید به بازگشت به خانواده و جامعه می‌شود. (باقی و موسوی، ۱۳۹۶: ص ۵۳۶) مواد ۱۹۴ تا ۲۱۰ سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی ۱۴۰۰، مقررات مربوط به مرخصی زندانیان را بیان می‌کند. مرخصی‌های یک زندانی اقسام زیادی دارد

و در اصطلاحات اخیر، تسهیلات فراوانی در نظر گرفته شد. یکی از این مرخصی‌ها که در ماده ۱۶۹ آمده، مربوط به ازدواج، فوت همسر یا بستگان نسبی و سبب درجه اول از طبقه اول یا ابتلاء آنان به بیماری حاد می‌باشد که به تشخیص دادستان و بدون نیاز به کسب درجه اعتباری معین، زندانی می‌تواند حداکثر تا ۵ روز از مرخصی استفاده کند. در صورت عجز از فراهم کردن تأمین کیفری، اعزام محکوم به مرخصی تحت مراقبت مأموران، یک روز در ماه و به مدت ۱۰ ساعت بلامانع است. تعدد هر یک از وقایع فوق مانع از اعطای مجدد مرخصی موضوع این ماده نیست. واقعیت این است که عدم اطلاع از سلامتی خانواده و نزدیکان و چگونگی اوضاع و احوال آنها از جمله مسائلی است که فکر و ذهن اکثر زندانیان به ویژه زنان و مادران را همواره به خود جلب می‌کند. در مقابل خانواده زندانیان نیز به دلیل تشویش و اضطراب ناشی از زندانی فردی از افراد خانواده، نگران چگونگی وضعیت او می‌باشند لذا شایسته است این حق برای زندانی و خانواده و بستگان وی قائل شده تا به نحوی از وضعیت ناگوار همدیگر باخبر گردند. به موجب ماده ۱۵۲ آیین نامه مذکور^۱ در مجموع می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که قانونگذار از طریق خواسته است تا رئیس زندان را مکلف نماید تا در صورت بروز حوادثی چون فوت برای زندانی، خانواده و بستگان وی را از چنین امر مطلع سازد.

آیین نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اعطای مرخصی به زندانی را به عنوان یک امتیاز به زندانی در نظر گرفته است که تکلیفی در برابر زندانی نیست و صرفاً یک امتیاز اغلب تشویقی به زندانیان دارای حُسن معاشرت در زندان می‌باشد. در همین راستا ماده ۱۹۴ آیین نامه مذکور مقرر می‌دارد: «در اجرای ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی ۱۳۹۲، محکوم در صورت رعایت ضوابط و مقررات مؤسسه کیفری، مشارکت در برنامه‌های اصلاحی و تربیتی و کسب

۱- ماده ۱۵۲ آیین نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۴۰۰ مقرر می‌دارد: «رئیس مؤسسه از طریق مددکار اجتماعی، مراتب فوت زندانی را به خانواده وی اطلاع و به پزشکی قانونی، قاضی اجرا و مرجع قضایی مربوط گزارش می‌کند. جسد پس از انجام مراحل قانونی و دستور مرجع قضایی دارای صلاحیت، تحویل پزشکی قانونی می‌شود و فهرست لوازم شخصی متوفی صورت جلسه و به خانواده وی تحویل می‌شود. در صورت فقدان خانواده یا امتناع آنها از تحویل، مراتب صورت جلسه و برابر دستور مرجع قضایی اقدام می‌شود...».

حداقل ۱۰۰ نمره از درجه اعتباری لازم مطابق دستورالعمل موضوع تبصره ۵ ماده ۸۰ این آیین‌نامه، پس از اعلام شورای طبقه‌بندی ماهانه حداکثر ۳ روز از مرخصی برخوردار شود...». در واقع همان‌طور که اصل بر آزادی همه آحاد جامعه بوده و زندانی کردن اشخاص یک استثناء بر اصل است، مرخصی رفتن زندانی هم یک استثناء بر اصل است.

در دوران شیوع کرونا برای سلامت زندانیان و کمک به خانواده زندانیان جمع‌کنی از زندانیان مشمول نهادهای ارفاقی از جمله مرخصی شده‌اند، به گونه‌ای که تا اوایل سال ۱۳۹۸ جمعیتی بالغ بر ۲۴۰۰۰۰ نفر در زندان‌ها به سر می‌بردند که به واسطه عفوهای گسترده این سال این تعداد به حدود ۱۹۰۰۰۰ نفر کاهش یافت و در سال ۱۳۹۹ نیز به واسطه اقدامات قوه قضائیه ۲۰۰۰۰ نفر دیگر از این تعداد کاسته شد همچنین در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ نیز تعدادی دیگر از زندانیان مشمول عفو یا تخفیف قرار گرفتند. از اینرو دستگاه قضا به عنوان مسؤول اداره زندان‌ها استفاده حداکثری از تسهیلات ارفاقی از جمله مرخصی مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی را در دستور کار خود قرار داد. با این اقدام بیش از ۱۰۰۰ زندانی در بازه زمانی کوتاهی مرخصی دریافت کردند و حمایت معیشتی از خانواده زندانیان صورت گرفت اما همچنان تعداد زندانیان دو برابر و نیم ظرفیت زندان (۸۵۰۰۰ نفر ظرفیت ۲۱۲۵۰۰ نفر جمعیت) (حسین زاده، ۱۳۹۹: ص ۵) و قابلیت انحلال و تفکیک نمودن این جمعیت کار پیچیده و با مشکلات حقوقی مواجه است. در همین راستا رئیس قوه قضائیه ابتدا اقدام به صدور بخشنامه‌های اعطای مرخصی به زندانیان با لحاظ شرایط خاص شیوع کرونا در جامعه نمود و سپس تقاضای عفو عمومی تعداد بیشتری از زندانیان را به مقام رهبری تقدیم کرد و در نتیجه حدود ۱۰۷۰۰۰ زندانی به طرق فوق از زندان‌ها آزاد شدند. قوه قضائیه با صدور بخشنامه‌های شرایطی را برای اعزام به مرخصی زندانیان در راستای سلامت زندانیان در زندان‌ها صادر کرد.

۳-۲-۱- ملاقات با خانواده زندانیان

بند ۲ اصل ۲۳ از «مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هرگونه بازداشت و حبس قرار دارند» مقرر می‌دارد: «فرد بازداشت شده یا زندانی باید از این حق برخوردار باشد که آزادانه و



به طور کاملاً خصوصی با کسانی که طبق بند ۱ اصل حاضر، از زندان بازدید می‌کنند ملاقات کند به شرط این که شرایط معقول برای تضمین امنیت و حسن نظم چنین مکان‌هایی رعایت شود». این بند، در مقام شناسایی این حق برای محبوسان است که به دور از نفوذ مقامات زندان، آزادانه و به طور محرمانه با بازدیدکنندگان مستقل، ملاقات داشته باشند. تأکید بر آزادانه و محرمانه بودن ملاقات‌ها، برای پرهیز از مسائل بعدی است که ممکن است در صورت اطلاع مسؤولان زندان از گفتگوهای میان بازدیدکنندگان و زندانیان، برای افراد اخیر ایجاد شود. (غلامپور و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۲۱۱) در سیاست جنایی قضایی و اجرایی کشور مطابق قوانین و مقررات، زندانیان در زندان می‌توانند تحت شرایط خاصی با اقوام و خانواده خود ملاقات کنند و قانونگذار نیز شرایطی مقرر نموده است و بر مبنای آن، ملاقات با زندانی تقاضا شود و بعد از آن زندانیان بتوانند با خانواده خود ملاقات کنند. در همین راستا در آیین نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی ۱۴۰۰، ضوابط و تسهیلاتی برای ملاقات خانواده زندانیان آمده است.

ملاقات زندانی با خانواده وی یک حق است و در ماده ۲۱۰ آیین سازمان زندان‌ها آمده: «به منظور حفظ پیوند خانوادگی، ایفای تکلیف شرعی صله رحم و رعایت حقوق زندانی و خانواده او، مؤسسه تمهیدات لازم را برای ملاقات زندانی با همسر، فرزندان، پدر و مادر، خواهر و برادر و همچنین پدر و مادر همسر فراهم می‌آورد. ملاقات دیگر بستگان و دوستان، خواهان و شاکی با زندانی، به صورت کابینی، به درخواست هر یک از ایشان، با موافقت مدیرکل زندان‌های استان یا قاضی اجرا و یا رئیس مؤسسه امکان پذیر است». بنابراین با توجه به ماده فوق، مشخص می‌شود که زوج یا زوجه، فرزندان، پدر یا مادر، پدر یا مادر همسر، خواهر و برادر زندانی افرادی هستند که می‌توانند با کسب اجازه از مدیرکل زندان‌های استان یا قاضی اجرا و یا رئیس مؤسسه با زندانی ملاقات کنند. نکته قابل توجه در خصوص ملاقات وکلای دادگستری اینکه، در ماده ۲۱۶ آیین نامه آمده است: «ملاقات وکیل دادگستری با موکل زندانی با ارائه وکالت نامه رسمی به رئیس مؤسسه یا مسؤول ملاقات و در صورت امکان در اتاق مخصوص و مجزا از محل ملاقات عمومی انجام می‌شود. در صورت ممنوع الملاقات بودن زندانی، ملاقات با نظر و دستور مقام قضایی مربوط خواهد بود. همچنین تنظیم قرارداد وکالت به تقاضای زندانی با دستور

رئیس مؤسسه صورت می‌گیرد. سازمان مکلف است با همکاری مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه امکانی فراهم آورد تا تنظیم و امضاء قرارداد وکالت به صورت الکترونیکی، برای زندانیان، از طریق سامانه خدمات الکترونیکی قضایی، انجام شود.^۱ همچنین در ارتباط با تقاضای ملاقات با وکیل می‌توان گفت که مطابق این آیین نامه چنانچه شخصی تحت نظر قرار بگیرد، می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آن که بنا بر ضرورت، تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند که در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند. مطابق ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل کند.

۴-۲-۱- حمایت‌های مالی نهاد زندان از خانواده زندانیان

بحث اشتغال زندانیان و آموزش حرفه‌های مناسب به آنها دیر زمانی است که در علم حقوق

۱- در همین راستا بند «ت» بخشنامه تبیین حقوق بازداشت‌شدگان، رعایت کرامت آنان و نحوه نظارت بر بازداشتگاه‌ها مقرر می‌دارد: «۱- تمهیدات لازم برای ملاقات بازداشت‌شدگان با همسر، فرزندان، پدر و مادر، خواهر و برادر و همچنین پدر و مادر همسر به صورت هفتگی باید فراهم شود. در صورت ممنوع‌الملاقات بودن متهم اعلامی توسط مقام قضائی، رئیس بازداشتگاه مکلف است اسامی متهمانی که به دستور مقام قضائی بیش از یک ماه ممنوع‌الملاقات بوده اند را نزد مرجع قضائی رسیدگی‌کننده و حسب مورد نزد دادستان یا رئیس حوزه قضائی بخش مربوط ارسال کند. (موضوع مواد ۲۱۰، ۲۱۱ و ۲۱۳ آئین نامه اجرایی سازمان)؛ ۲- ملاقات خصوصی با خانواده شامل والدین یا همسر و فرزندان با رعایت موازین شرعی، امنیتی و همچنین با رعایت موازین بهداشتی مقابله با شیوع کرونا انجام شود و به موازات اجرای انواع ملاقات‌ها، برنامه «توسعه ملاقات تصویری یا الکترونیکی» در اولویت قرار گیرد. (موضوع ماده ۲۱۵ آئین نامه اجرایی سازمان)؛ ۳- ملاقات وکیل دادگستری با موکل زندانی با ارائه وکالت نامه رسمی به رئیس بازداشتگاه یا مسؤول ملاقات و در صورت امکان در اتاق مخصوص و مجزا از محل ملاقات عمومی انجام می‌شود. در صورت ممنوع‌الملاقات بودن زندانی، ملاقات با نظر و دستور مقام قضائی مربوط خواهد بود. در صورت موافقت مدیرکل زندان‌های استان و با نظر رئیس بازداشتگاه، کانون وکلای دادگستری و مرکز وکلا، کارشناسان و مشاوران خانواده قوه قضائیه می‌توانند با هزینه خود دفتری جهت ملاقات و کلاً با موکلان خود احداث و تجهیز کنند. (موضوع مواد ۲۱۶ و ۲۱۷ آئین نامه اجرایی سازمان)».



مورد توجه قرار گرفته است این مهم منجر به این شده که وقت زندانیان بیهوده و به امور غیر نافع تلف نشود و ضمن کسب درآمد، حرفه مناسبی را برای پس از آزادی بیاموزند چون بیکاری و عدم درآمد مناسب از مهمترین علل گرایش افراد به سمت بزهکاری است لذا اشتغال و حرفه آموزی می‌تواند از یک طرف می‌تواند از علل پیشگیرانه‌ای تکرار جرم محسوب شود و از طرف دیگر در جهت رفع مشکلات مادی خانواده زندانیان نیز بسیار مؤثر واقع گردد. بنابراین سازمان زندان‌ها هم مطابق قانون و هم بر اساس آیین نامه موظف می‌باشد تا حد امکان مقدمات اشتغال زندانیان را فراهم نماید و حرفه مناسب را به آنان بیاموزد. بند ۶ ماده ۱ آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۴۰۰، به مرکز حرفه آموزی و اشتغال یا زندان‌های باز اشاره دارد که در تعریف این مکان بیان می‌دارد: «یکی از اقسام ندامتگاه عمومی است که محکومان به موجب رأی دادگاه و یا با تصویب شورای طبقه بندی، با سپردن تأمین مناسب، محکومیت خود را در آنجا با حرفه آموزی، تحصیل علوم و فنون یا اشتغال به کار در حوزه‌های صنعتی، خدماتی و کشاورزی می‌گذرانند این اماکن بدون مأمور مراقب مسلح بوده و محکومان پس از اتمام ساعت کار، برای استراحت به خوابگاه گروهی درون ندامتگاه و یا بیرون از آن، که تحت نظارت سازمان می‌باشد، باز می‌گردند». در قسمت «ش» از ماده مذکور بیان شده است: «انجمن حمایت از زندانیان» که مؤسسه‌ای است غیرانتفاعی تحت نظارت دفتر اقدامات حمایتی سازمان، در راستای حمایت مادی و معنوی از زندانیان نیازمند و خانواده آنها». همچنین در قسمت «ض» ماده مارالذکر در خصوص بنیاد اشعار می‌دارد: «بنیاد تعاون زندانیان»، مؤسسه‌ای است غیرانتفاعی و دارای شخصیت حقوقی مستقل که با هماهنگی رئیس سازمان در راستای حرفه آموزی و اشتغال، ایجاد خدمات فرهنگی، ورزشی و رفاهی زندانیان، کمک به امرار معاش خانواده آنان و آزادی زندانیان با تعیین اولویت‌ها توسط سازمان، در چارچوب مفاد اساسنامه خود فعالیت می‌نماید».

مورد دیگری که قابل اشاره می‌باشد ماده ۱۶۵ آیین نامه است که مقرر می‌دارد: «ستاد دیه، انجمن و بنیاد تعاون مطابق اساسنامه، آیین نامه و دیگر ضوابط و مقررات حاکم، به زندانیان و

خانواده آنها خدمات حمایتی ارائه می‌کنند. سازمان با هدف پیشگیری از انجام کارهای موازی و در راستای بهبود عملکرد مؤسسه‌های موضوع این ماده، بر عملکرد ستاد، انجمن و بنیاد نظارت می‌کند و هماهنگی لازم را به عمل می‌آورد». همچنین سازمان اختیار دارد تا در جهت اشتغال زندانیان داوطلب از امکانات موجود با کمک‌های دولتی استفاده کند مضافاً آنکه می‌تواند از طریق دریافت وام با مشارکت بانک‌ها و دستگاه‌های دولتی، تعاونی‌ها یا بخش خصوصی اقدامات لازم را برای وصول به هدف فوق انجام دهد هرچند اشتغال زندانیان منافع معنوی بسیار زیادی در پی دارد ولی چون آنها در زندان و خانواده شان در بیرون از زندان هزینه‌هایی دارند لذا بایستی تا حد معینی حاصل کار آنان را پرداخت کرد. طبق فصل چهارم آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اشتغال برای زندانیان مهم در نظر گرفته شده است به عنوان مثال ماده ۱۷۴ همین آیین نامه بیان می‌دارد: «به منظور توسعه برنامه‌های بازسازی، کاهش آسیب‌های حبس، کمک به رفع نیازهای مادی و معنوی محکومان و خانواده آن‌ها و خودکفایی و خوداشتغالی زندانیان، سازمان مکلف است با همکاری بنیاد تعاون، حتی المقدور امکان اشتغال تمامی زندانیان حاضر در مؤسسه‌های کیفری را که متقاضی اشتغال هستند، فراهم کند. در این راستا سازمان می‌تواند اعتبار مورد نیاز را از محل بودجه مصوب، کمک‌های انجمن یا درآمدهای بنیاد تعاون، کمک‌های مردمی و مانند آن، در چارچوب مقررات قانونی، تأمین کند و در جهت حرفه آموزی و اشتغال زندانیان به اموری که با اقتصاد بازار ارتباط مستقیم دارد (اشتغال مولد و پایدار)، متناسب با قابلیت‌ها و استعدادهای فردی به کار گیرد و همچنین نسبت به فراهم کردن مشوق‌های لازم با هدف به کارگیری و اشتغال زندانیان آزاد شده و رفع موانع تولید و اشتغال برای کارآفرینانی که نسبت به ایجاد اشتغال و خودکفایی مؤسسه‌های کیفری سرمایه‌گذاری و مشارکت می‌کنند و نیز کارآفرینانی که زندانی هستند اقدام کند. این اقدام‌ها و همچنین قراردادهایی که در این راستا منعقد می‌شود، باید با رعایت ضوابط و مقررات و عاری از انحصار و در راستای صیانت از حقوق زندانیان باشد». همچنین بکارگیری عوامل حمایتی از کودکان زندانیان به «مراکز مراقبت بعد از خروج» نیز واگذار





گردیده است. بر پایه بند «د» ماده ۳ آیین نامه مراکز مراقبت بعد از خروج ۱۳۷۸ این نهاد که زیر نظر اداره کل زندان‌های استان فعالیت می‌کند، مکلف شده تا به جذب کمک‌های مردمی و انجمن‌ها و مؤسسات خیریه به منظور مساعدت در وضع مددجویان و خانواده آنان مبادرت ورزد. بنابراین، مراکز یاد شده در کنار حمایت و مراقبت از زندانیان آزاد شده باید در جهت حمایت مادی از خانواده آنان از جمله فرزندانشان گام بردارند تا به واسطه این اقدام‌های حمایتی، از یک سو فرآیند بازپروری زندانیان تکمیل شود و از سوی دیگر، شخصیت کودکان این دسته از شهروندان به درستی سامان یابد. طبیعتاً این وظیفه مراکز مراقبت بعد از خروج می‌تواند توسط شماری از بخش‌های آن مانند بخش خدمات مشاوره‌ای و بخش ارائه تسهیلات به انجام رسد، به هر رو مراکز یاد شده با حمایت‌های مالی اقتصادی و غیره از زندانیان می‌توانند در بهبود وضعیت زندگی خانواده این دسته، خصوصاً در دوران نخستین پس از آزادی، بسیار تأثیرگذار باشند و با ایجاد یک بستر مناسب اسباب جامعه‌پذیری و سپری شدن درست فرآیند تربیتی این گروه از کودکان را فراهم سازد. (صالحی، ۱۴۰۱: ص ۴۷/۴۸)

۵-۲-۱- حمایت از خانواده زندانیان زن از طریق برخی نهادهای دولتی

از جمله نهادهای دولتی، وزارت آموزش و پرورش است که به عنوان یک نهاد دولتی مهمترین نقش را در جامعه‌پذیری و تربیت افراد جامعه ایفا می‌کند و می‌تواند تأثیر بسزایی در پیشگیری از بزهکاری و کاهش جرم داشته باشد. بنابراین، آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد با کارکرد پیشگیرانه، به حمایت از گروه‌هایی که دارای آسیب‌های اجتماعی هستند از جمله کودکانی که دارای والد زندانی (به ویژه مادر) می‌باشند می‌پردازد. علاوه بر نهاد آموزش و پرورش، نهاد دیگری به نام وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، از رهگذر قانون «ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی» به حمایت از اقشار آسیب دیده اجتماعی مانند فرزندان زندانیان می‌پردازد و در همین راستا سازمان بهزیستی زیر نظر این وزارتخانه وظایفی را بر عهده دارد.



۱-۵-۲-۱- وزارت آموزش و پرورش

یکی از مهمترین و مؤثرترین و گسترده ترین سازمان‌های اجتماعی که مسئولیت انتخاب و انتقال عناصر فرهنگی به نسل جدید جامعه بر عهده دارد، وزارت آموزش و پرورش هر کشور است. این وزارتخانه مسئول امور آموزشی شهروندان از سنین پایین تا سنین بالا است. این وزارت دستگاهی است که الگوی کلی نهادها و سازمان‌های رسمی جامعه به شمار می‌رود و از دیرباز نقش سازنده و اساسی در بقاء، تداوم فرهنگ و تمدن بشری ایفا کرده است. بر همین اساس ویژگی‌های وزارت آموزش و پرورش و نقش آن در رشد و جامعه پذیری کودکان و نوجوانان، آن را در جایگاهی قرار می‌دهد که می‌توان از آن به عنوان یکی از نهادهای مهم متولی پیشگیری رشدمدار یاد کرد.

با توجه به این نکته که از نظر فرهنگی و شخصیتی، انسان موجودی است آفریننده، مبتکر و هنرمند که کمال وی به دانستن و توانستن است و همچنین سرشار از استعدادها، تمایلات، انگیزه‌ها و انرژی‌های وسیع خدادادی است و قادر است از کوچکترین تا عظیم ترین منابع و آثار هنری را خلق کند و در فطرت از قدرت الهی بهره گرفته، می‌تواند تجلی استعدادها باشد و خلاقیت خود را در طبیعت به صورت صنعت و هنر ارائه دهد. به همین علت تکامل، تعالی و رستگاری او در گرو دانایی‌ها و خودسازی‌هایی است که همه از طریق دستگاه‌های تعلیم و تربیت جامعه تحقق می‌یابد. به عبارت دیگر، از آنجا که رفتار اجتماعی انسان اکتسابی است، تداوم پیوند اعضا مستلزم آن است که جامعه بتواند ارزش‌ها و هنجارهای مقبول خود را به اعضا جدید آموزش دهد و وجود این ارزش‌ها و هنجارهای مقبول تضمین کننده فرد و جامعه سالم خواهد بود. شاید به همین دلیل است که آموزش و یادگیری ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی برای اعضای جدید جنبه حق و تکلیف دارد تا جایی که مورد تأکید اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی قرار گرفته است. (صالحی، ۱۴۰۱: ص ۵۰)

به زعم جامعه‌شناسان، آموزش و پرورش وسیله اداره، کنترل، عامل بقاء و دوام تمدن هاست. بنابراین، آموزش و پرورش از نظر اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی و با فراهم



کردن زمینه‌ی تکامل و رشد آدمی، اهمیت بسیاری دارد. امروزه بیشتر قانونگذاران و سیاستگذاران در کنار کارکرد آموزشی محیط تحصیلی به کارکرد پرورشی تربیتی آن نیز توجه می‌کنند. قانونگذار ایرانی و نویسندگان شماری از مقررات فراتقنینی، در پرتو مواد ۱ و ۲ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۶/۱۱/۲۵، ماده ۸ قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها، شهرستان‌ها و مناطق کشور مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۲۶، ماده ۱ اساسنامه انجمن اولیاء و مربیان مصوب ۱۳۶۷/۰۳/۱۹، ماده ۲ اساسنامه سازمان آموزش و پرورش استثنایی مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۲۹، و اساسنامه پژوهشکده تعلیم و تربیت وابسته به آموزش و پرورش ۱۳۷۵، تلاش کرده اند تا سیاستگذاران وزارت آموزش و پرورش را به سوی اتخاذ سیاست‌ها و اجرای برنامه‌های تربیتی و پرورشی از جمله سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیرانه هدایت نمایند.

وزارت آموزش و پرورش برای اجرای این سیاست‌ها در سال ۱۳۷۷، با تأسیس دفتر پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر زیر نظر معاونت پرورشی، برنامه‌ها و طرح‌های متعددی مانند برنامه آموزش مهارت‌های زندگی، برنامه مدرسه مروج سلامت و طرح پیشگیری مشارکتی مدرسه محور را به منظور کاهش گرایش دانش آموزان به اعتیاد اجراء نمود. این دفتر اگر چه با رویکردی کنشی به دنبال کاهش میزان یکی از مهمترین گونه‌های بزهکاری دانش آموزان یعنی اعتیاد بود، توجه چندانی به دیگر گونه‌های بزهکاری از جمله خشونت و تخریب نداشت. از اینرو وزارت یاد شده به منظور افزایش اطلاعات دانش آموزان، مربیان، کارکنان و والدین در خصوص آسیب‌های اجتماعی، اعتیاد و نحوه پیشگیری از آنها در سال ۱۳۸۳ به تأسیس مدیریت پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و مواجهه با بلایای طبیعی زیر نظر معاونت تربیت بدنی و تندرستی مبادرت ورزید. این مدیریت برای اجرای هدف‌های مذکور دارای بخش‌های متعددی از جمله برنامه ریزی برای کاهش تقاضای مواد مخدر و برنامه ریزی امور مواجهه با بلایای طبیعی، مددکاری و خدمات حمایتی و پیشگیری از اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی می‌باشد.

(نیازپور، ۱۳۸۵: ص ۷۷)

چنانچه ذکر شد وزارت آموزش و پرورش به انجام یکسری از اقدامات جهت پیشگیری از جرم



مبادرت ورزیده است. با این وجود، به نظر می‌رسد با توجه به نقش این سازمان در جامعه پذیری افراد و پیشگیری از جرم در جامعه باید برنامه ریزی‌های دقیق تری جهت مدیریت پیشگیری از جرم و حمایت از کودکان در این زمینه توسط این سازمان صورت گیرد. همچنین توجه ویژه به فرزندان زندانیان به عنوان قشر آسیب دیده اجتماعی مبذول داشته شود و در این زمینه وظایف روشن و شفاف برای وزارت آموزش و پرورش در نظر گرفته شود.

۲-۵-۲-۱- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

رفاه اجتماعی مفهومی است که گرچه وضوح دارد، اما هماهنگی بر تعریف آن وجود ندارد و قابل تعبیر و تفسیر موسع و مضیق در موارد مختلف است. رویکرد اساسی در رفاه اجتماعی، رویکردی چند جانبه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است و رفاه اجتماعی، رویکردی فعال و پیشگیرانه است؛ گرچه نگاه به گذشته و پوشش معضلات اجتماعی ایجاد شده را نیز به دنبال دارد. رفاه اجتماعی در دو مفهوم به کار می‌رود: مفهومی عام، که به مجموعه سازمان‌ها، مقررات و تدابیر بهزیستی اعضای جامعه اطلاق می‌شود و مفهومی خاص، که عبارت است از رسیدگی به گروه‌های تنگدست و نیازمند جامعه، به ویژه افراد و گروه‌های آسیب پذیر، با هر نوع نگرش، بیش از آنکه بر گروه‌های آسیب دیده متمرکز باشد، اصلی ترین هدف خود را بر جلوگیری از گسترش آسیب و بروز موارد جدید قرار داده است؛ لذا این مدل مطلوب باید بتواند به جای آنکه فقط گروه‌های آسیب دیده را مدنظر قرار دهد در همه سطوح مورد انتظار فعالیت نموده و حیطة عمل خود را به همه آحاد جامعه از نظر پیشگیری از بروز آسیب دیدگی تعمیم دهد.^۱ (نافعی، ۱۳۸۷: ص ۴۲۱) بنابراین قانونگذار با تصویب قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در سال ۱۳۸۳ برای نیل به هدف‌های زیر قانونگذار مذکور را تصویب کرد این اهداف عبارتند:

۱- رویکردهای جدید به موضوع پیشگیری از جرم، بیشتر دارای نگاه اجتماعی می‌باشند و به از بین بردن بسترو عوامل ایجادکننده جرم در اجتماع تأکید دارند. این رویکردها، بیشتر به موضوعاتی مانند فقر، اعتیاد به مواد مخدر، خانواده‌های دارای مشکل، خانواده‌های بدسرپرست یا بی سرپرست مانند خانواده زندانیان اشاره می‌کنند.



- ۱) ایجاد انسجام کلان سیاست‌های رفاهی به منظور توسعه‌ی عدالت اجتماعی و حمایت از همه افراد کشور در برابر رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و پیامدهای آن؛
 - ۲) اجرای اصل ۲۹ و بندهای ۱ و ۲ اصل ۲۱ قانون اساسی؛
 - ۳) به‌کارگیری تمهیدات لازم در مورد فقرزدایی، حمایت از زنان باردار، حمایت از کودکان و زنان بی‌سرپرست و بیمه ویژه بیوگان، زنان سالخورده و خودسرپرست؛
- این قانون سیاست پیشگیری از ظهور با گسترش انحراف و مشکلات اجتماعی را از طریق فراهم کردن زمینه استقرار رفاه عمومی و ارتقاء انواع حمایت‌های اقتصادی، اجتماعی و مدنی و ... (مواد ۱، ۳ و ۴) در سطح جامعه مورد تأکید قرار داده است. (رجبی پور، ۱۳۹۲: ص ۸۰) لذا می‌توان گفت که این وزارت براساس مواد ۱۲، ۱۶ و ۳۴ قانون مذکور، موظف شده است در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به حمایت مادی و معنوی از خانواده‌های بی‌سرپرست، بدسرپرست، کمک به اشخاص کم درآمد و بی درآمد و برنامه ریزی برای اشتغال زایی، بهبود شرایط اقتصادی و بهداشتی گروه‌های ویژه مبادرت ورزد.
- یکی از نهادهایی که زیر نظر وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی فعالیت می‌کند، سازمان بهزیستی است که از مهمترین نهادها برای حمایت از زندانیان و خانواده‌های آنان می‌باشد که اقدامات ارزشمندی در جهت اشتغال زندانیان و نیز حمایت‌های مادی و معنوی از این قشر صورت داده‌اند. سازمان بهزیستی حمایت‌هایی مانند کمک به خانواده‌های بی‌بضاعت زندانیان که قادر به تأمین نیازهای خود نیستند کمک به زندانیان در زمینه اشتغال پس از آزادی را ارائه می‌دهد که با درخواست خانواده زندانی و معرفی سازمان زندان‌ها تحت پوشش بهزیستی و کمک‌ها و اقدامات مددکارانه قرار می‌گیرند. (کریمی، ۱۳۹۵: ص ۷۲) از اینرو سازمان بهزیستی کشور با رویکرد حمایتی-مراقبتی و اصلاحی-درمانی بسترهای مناسب در جهت ترمیم فرایند اجتماعی شدن شماری از بزهکاران و همچنین بازگشت آنها به خانواده و زندگی سالم را فراهم می‌کند. (نیازپور، ۱۳۸۵: ص ۱۵۷)
- در همین راستا قانونگذار در سال ۱۳۷۱ و از رهگذر قانون تأمین زنان و کودکان بی



سرپرست، حمایت از فرزندان زندانیان را به سازمان مذکور واگذار کرده است. مطابق بند ۴ ماده ۲ این قانون، کودکان بی سرپرست به آن گروه از کودکان گفته می‌شود که: «بنا به هر علتی و به طور دائم یا موقت، سرپرست خود را از دست داده باشند» پیداست که یکی از مصادیق این کودکان همان فرزندان زندانیان هستند که گاه با زندانی شدن والدینشان در واقع سرپرستان خود را از دست می‌دهند. سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور را به عنوان یکی از نهادهای متولی معرفی این گونه کودکان به سازمان بهزیستی پیش بینی نموده است. این نهاد نیز مطابق ماده ۴ قانون مذکور مکلف شده تا به شکل‌های مختلف به حمایت از این دسته از کودکان مبادرت ورزد. حمایت‌های مالی (شامل تهیه وسایل و امکانات خودکفایی یا مقرری نقدی و غیرنقدی ...) حمایت‌های فرهنگی و اجتماعی (مانند ارائه خدمات آموزشی تحصیلی، تربیتی، حرفه آموزشی، خدمات مشاوره‌ای و مددکاری ...) و یا نگهداری این گروه از کودکان از نمونه‌های بارز این حمایت‌ها هستند که باید از سوی سازمان یاد شده انجام پذیرد. به این ترتیب، در قلمرو سیاست جنایی قضایی ایران سازمان مزبور که یکی از اصلی‌ترین مراجع بسترسازی برای بهزیستی شهروندان است، باید با یک برنامه ریزی سنجیده در راستای حمایت از فرزندان بزهکاران زندانی گام بردارد. حتی براساس مواد آیین نامه مذکور مقرر شده که باید برای انجام این مأموریت بودجه عملیاتی سالانه پیش بینی شود. (نیازپور، ۱۳۹۰: ج ۲ / ص ۸۹۵)

حمایت از کودکان از جمله مواردی است که در ماده واحده لایحه سازمان بهزیستی کشور به صورت کلی ذکر شده است. به نظر می‌رسد با توجه به سیاست‌های کلی این سازمان و غلبه داشتن رویکردهای حمایتی و همچنین وظیفه این سازمان مبنی بر حمایت از آسیب دیدگان اجتماعی و افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی و همچنین مستعد انحراف و ارتکاب جرم، این مورد کلی را می‌توان این گونه تعبیر کرد که هرگاه کودک یا نوجوان در این موقعیت‌ها یا وضعیت‌ها قرار گرفت، سازمان بهزیستی کشور با ارائه خدمات می‌تواند در تربیت کودکان نقش مؤثری داشته و با آموزش هنجارها و ارائه خدمات لازم و ضروری، حس اجتماع پذیری و تکامل شخصیتی را در آنها تقویت کرده و از تمایل آنها به گرایش به ناهنجاری‌ها جلوگیری به عمل آورد.



(شجاعی، ۱۳۹۰: ص ۶۲) بنابراین، سازمان بهزیستی می‌تواند نقش بسزایی در پیشگیری رشدمدار از جرایم کودکان و نوجوانان به ویژه کودکان دارای والد زندانی ایفا نماید. سازمان بهزیستی در راستای پیشگیری از جرم به انجام یکسری از خدمات اقدام کرده است که این خدمات از طریق دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی و دفتر امور پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و همچنین دفتر امور زنان و خانواده در اختیار افرادی قرار می‌گیرند که تحت آسیب‌های اجتماعی قرار دارند که از جمله این افراد فرزندان خانواده‌های زندانیان هستند که به دلیل عدم حضور سرپرست و مشکلات اقتصادی احتمال دارد به ورطه بزهکاری راه پیدا کنند.

۲- حمایت از خانواده زندانیان زن از طریق برخی نهادهای غیردولتی

در سیاست جنایی ایران در کنار زندان، نهادهای دیگری نیز در زمینه تدابیر مرتبط با آن نقش ایفاء می‌کنند که «نهادهای پیرازندان» نام می‌گیرند که یکی از این نهادها «انجمن حمایت از زندانیان» است که نقش مهمی در حمایت از خانواده‌های زندانیان بر عهده دارد. علاوه بر انجمن حمایت از زندانیان، کمیته امداد امام خمینی نیز کمک‌های مؤثری در این زمینه ارائه نموده‌اند.

۲-۱- انجمن حمایت از زندانیان

یکی از مهمترین آسیب‌های اجتماعی که می‌تواند تمام ابعاد زندگی افراد را تحت تأثیر قرار دهد عدم توجه به خانواده‌های بزهکاری است که در زندان به سر می‌برند. این امر باعث شده زمینه ارتکاب وقوع انواع جرم از سوی خانواده‌های زندانیان افزایش یابد به طوری که این موضوع توجه بسیاری از جامعه شناسان، مددکاران و صاحب نظران را به سوی خود جلب کرده است. پس در ساختار قضایی وجود مرکزی که بتواند خانواده‌های زندانیان را مورد حمایت خود قرار داده و آنها را در مسائل مالی و معنوی یاری دهد یک امر ضروری است. بر همین اساس است که انجمن‌هایی با نام انجمن حمایت از زندانیان با فلسفه وجودی حمایت از خانواده



زندانی و رسیدگی‌های مالی و معنوی به جهت مصون ماندن خانواده بزه دیده از خطرات احتمالی و شکست‌های بعدی تأسیس شده است. تا زمانی که یکی از اعضای خانواده در زندان است از زندانی و خانواده زندانی باید به گونه‌ای حمایت شود که علاوه بر فرد خاطی، خانواده بزه دیده دچار بزهکاری یا خطای فاحش نشود و این گونه نباشد که فرد بزهکار به دلیل بزه دستگیر شده باشد و خانواده در فقدان سرپرست خانواده مجبور به خطای دیگر جهت گذران امور باشند یا اینکه آنقدر مصیبت و اندوه بر خانواده زندانی وارد شود که در هدف اصلی از زندان که اصلاح زندانی است چیزی به نام اصلاح و تربیت گم باشد. این موضوع را باید در نظر گرفت که برخی از جرائم که شاید بتوان آنها را جرائم خفیف نامید ناشی از تربیت غلط و فهم افراد از حقوق اجتماعی خود و سایرین است که به خود اجازه رفتارهای متعرضانه با سایرین را می‌دهند. اگرچه زندان‌های ایران بنا بر اظهارات مسؤولان حتی نمایندگان مجامع بین‌المللی از سطح خوبی برخوردار است اما باید به این موضوع اشاره داشت آنقدر که خود زندانیان در زندان مورد توجه قرار می‌گیرند از خانواده‌های در معرض خطر آنها که ممکن است جزء زندانیان بعدی باشند کمتر مورد حمایت قرار می‌گیرند. مسأله اشتغال از جمله مهمترین مواردی است که خانواده زندانیان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند و شاید نبود بسترهای لازم برای اشتغال، آنها را بیشتر به ارتکاب جرائم سوق می‌دهد.

با این اوصاف، انجمن حمایت زندانیان انجمنی است که با شرکت مسؤولان و معتمدان در مقر هر دادگاه عمومی، دادگاه شهرستان و دادگاه بخش مستقل (در صورت بودن زندان) تشکیل می‌شود. و انجمن مؤسسه‌ای غیرانتفاعی و دارای شخصیت حقوقی است. انجمن می‌تواند با تصویب هیئت مدیره، عضویت انجمن‌های بین‌المللی را بپذیرد و حق عضویت بپردازد.^۱ لذا قوه قضائیه به منظور تفصیل و تشریح اقدامات عملی خود، علاوه بر تأمین سازمان زندان‌ها و اداره اقدامات تأمینی و تربیتی کشور که دارای شرح وظایف بسیار وسیعی در اینگونه موارد می‌باشد، در تاریخ ۱۳۶۰/۱۲/۱۱ اقدام به اصلاح اساسنامه انجمن حمایت زندانیان به شرح

۱- ماده ۱۵ آیین‌نامه انجمن‌های حمایت زندانیان مصوب ۱۳۶۰/۱۲/۱۱ اصلاحی ۱۳۶۳.



ذیل نموده است: الف: کمک به خانواده زندانیان؛ ب: بازسازی شخصیت و اصلاح و ارشاد زندانیان؛ ج: کمک در جهت آموزش حرفه‌ای به زندانیان؛ د: کمک به اشتغال زندانیان پس از آزادی با تهیه فرصت‌های شغلی یا کمک مالی؛ ه: مساعدت در بهبود وضع بهداشت و درمان، ترغیب و تشویق فعالیت‌های فرهنگی ورزش حرفه‌ای و آموزش زندان‌ها (انجمن خدمات خود را به کلیه زندان‌ها، کانون‌های اصلاح و تربیت اطفال بزهکار و مراکز مراقبت، پس از خروج ارائه خواهد داد)؛ و: استفاده از خدمات اطباء، مددکاران، مهندسان، آموزگاران، صاحبان تخصص و حرفه و فنی در جهت بهبود وضع زندانیان و پاداش خرید خدمت آنها؛ ز: تلاش برای افزایش درآمد انجمن با فعالیت‌های اقتصادی و انتفاعی و جلب کمک اشخاص و مؤسسات حقوقی و حقیقی و دولت.^۱

با این وجود، هدف بنیادین از تشکیل این انجمن که در همه اساسنامه‌های آن متبلور گشته است حمایت و کمک مادی و معنوی به خانواده‌های نیازمند زندانیان و خود زندانیان می‌باشد. ضرورت ایجابی و اهمیت اثباتی انجمن حمایت از زندانیان اهداف عینی (منبعث از هدف بنیادین) ساختار سازمانی و ترکیب اعضا و سلسله مراتب تشکیلاتی و سازوکارهای ورودی‌ها امکانات و منابع انسانی، مالی فیزیکی و خروجی‌ها امداد و مساعدت، فعالیت‌ها و اقدامات بر اساس منابع علمی و دانش نوین نمایانگر ویژگی‌ها و منطبق بر تعاریف نظری و عملی از نهادهای مدنی نوین است. این گونه سازمان‌ها و نهادهای تحت عناوینی نظیر NGO، نهادهای مدنی، هم به مثابه یکی از نهادهای توسعه یافتگی در هر کشوری ارزیابی می‌شوند و هم عامل پایداری پویا و تعادل کارکردی تلقی می‌گردند که برآیندی همانند تعادل پویا و پیشرفت را در پی دارند.

بنابراین عمده‌ترین اهداف مورد تأکید انجمن حمایت از زندانیان آموزش شغلی و ایجاد فرصت‌های اقتصادی تلاش در جهت امنیت و آینده شغلی زندانیان و تأمین حداقل‌های معیشتی خانواده زندانیان و باز اجتماعی شدن مجرمان؛ استفاده از خدمات اطباء، مددکاران،

۱- ماده ۳ آیین نامه انجمن‌های حمایت زندانیان مصوب ۱۳۶۰/۱۲/۱۱ اصلاحی ۱۳۶۳.



مهندسين، آموزگاران و صاحبان تخصص و حرفه و فن در جهت بهبود وضع زندانيان و پرداخت پاداش خريد خدمت به آنها؛ کمک در جهت آموزش حرفه‌ای به زندانيان؛ و ... است. همچنين امر مراقبت‌های بعد از خروج و اعطای وام به زندانيان آزاد شده جهت انجام اشتغالی شرافتمندانه و همچنين کنترل دقيق آنها بعد از آزادی تا يك مدت زمانی معين به منظور جلوگیری از ابتلاء و آلودگی مجدد آنها به جرم و استحکام پایه‌های خانوادگی این افراد از جمله سياست‌های اساسی و اصولی این مجموعه به شمار می‌رود.

۲-۲- کمیته امداد امام خمینی

وضعیت اقتصادی یکی از عواملی است که تأثیرگذاری مهمی در کارکردهای خانواده دارد. تحقیقات نشان داده که وضعیت اقتصادی ضعیف، کارکردهای خانواده را مختل کرده و موجب پدید آمدن خطراتی برای خانواده و به خصوص فرزندان آن خواهد شد و از آن جایی که خانواده زندانيان زن علاوه بر سایر مشکلات روحی و عاطفی با مشکلات معیشتی نیز دست و پنجه نرم می‌کنند لذا به شدت نیازمند حمایت یک سازمان دولتی جهت رفع مشکلات اقتصادی خود هستند. بنا به تصمیم هیئت محترم دولت جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۵ وظیفه حمایت از خانواده زندانيان به کمیته امداد امام خمینی (ره) واگذار گردید. کمیته امداد نیز در پی این واگذاری، پس از تنظیم و ابلاغ آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوطه، کار حمایت از افراد مشمول را آغاز کرد. در این برنامه کمیته امداد طی خدمات گوناگون به حمایت از خانواده زندانيان می‌پردازد از جمله این خدمات پرداخت هزینه‌های درمانی، فرهنگی، هزینه ازدواج فرزندان و تهیه جهیزیه، دادن خدمات مددکاری و مشاوره می‌باشد.

۳- نهادهای تأسیسی جهت کاهش استفاده از مجازات حبس

امروزه در اثر تغییر نگرش‌ها در حوزه فلسفه مجازات‌ها و تحول مبانی نظری به وجود آمده، نظام‌های حقوقی دچار تغییر و تحولات عمده‌ای گردیده اند. نگرش اغلب نظام‌های حقوقی دنیا نسبت به مجرمین جنبه اصلاحی دارد که با تأکید بر این امر وجود نهادهای ارفاقی پذیرفته



شده است. با توجه به تحولات و پیشرفت‌هایی که در علوم جنایی حاصل شده است، دیگر اعتقاد بر کارایی و سازگاری مجازات‌های ثابت وجود ندارد. با توجه به این امور قانون مجازات اسلامی به تبع اصل ۱۵۶ قانون اساسی^۱ همسو با فلسفه و اهداف مجازات‌ها سیاست به کارگیری نهادهای ارفاقی را پذیرفته است. کاربست نهادهای ارفاقی یا تأسیس همسو با اصل فردی کردن مجازات‌ها نیز می‌باشد.

اصل فردی کردن مجازات‌ها به عنوان یکی از اصول مترقی حاکم بر مجازات‌ها به معنای اعمال و اجرای مجازات متناسب با شخصیت و ویژگی‌های جسمی، روانی و اجتماعی فرد مجرم است که به اعتبار ماهیت جرم ارتكابی و یا خصوصیت مجنی علیه از طرف مقنن پیش بینی شده و از سوی قوای قضائیه و مجریه به منصفه ظهور کشیده می‌شود و ممکن است حسب مورد منجر به تشدید یا تعلیق مجازات‌ها گردد. لذا با توجه به عواملی همچون تأثیرپذیری شخصیت انسان از عوامل مختلف زیستی، روانی و اجتماعی و وجود تفاوت‌ها، به کار بردن اعمال متفاوت جهت اجرای عدالت و اصلاح مجرم ضرورت پیدا می‌کند. همه این عوامل خود می‌توانند به تنهایی مبنایی برای پذیرش نهادهای ارفاقی تلقی گردند. اعمال نهادهای ارفاقی منطبق با اصل فردی کردن مجازات‌ها و در راستای اهداف مجازات‌ها و قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» است. بدیهی است که اتخاذ این تدابیر از جمله سیاست‌های حکومت در قبال جرایم و کیفرزدایی^۲ از آنهاست. همچنین استفاده از نهادهای ارفاقی می‌تواند در جامعه آثار بسیار

۱- اصل ۱۵۶ ق. ۱۰ مقرر می‌دارد: «قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است: ۱) رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه، که قانون معین می‌کند؛ ۲) احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع؛ ۳) نظارت بر حسن اجرای قوانین؛ ۴) کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام؛ ۵) اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین».

۲- کیفرزدایی «Depenalization»، زدودن کیفر از اعمال مجرمانه یا کاهش آثار آن است و به منزله ی یکی از راهکارهای کاهش مداخله حقوق کیفری در معنای وسیع خود ناظر به همه ی اشکال تراکم زدایی در حوزه نظام کیفری است. از این رو «جرم زدایی ناقص» نیز تعبیر شده است. (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷: ص ۷۷)



مثبتی نظیر جلوگیری از برجسب خوردن افراد، انجام فعالیت های روزانه، دور بودن از محیط زندان، اشتغال و ... از خود بر جای بگذارد. بنابراین از طریق اعمال نهادهای ارفاقی بهتر می توان به غایت و اهداف مجازات ها نائل گشت. (بهره مند و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۴۱-۴۲) مع الوصف، بعضی از جایگزین های حبس از بدو قانونگذاری در نظام عدالت کیفری ایران به منظور کاهش جمعیت زندان و اجتناب از آثار زیانبار آن پیش بینی شده بودند و هم اکنون نیز از اعتبار قانونی برخوردارند که عبارتند از: جزای نقدی، تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط.

جزای نقدی یکی از اقسام مجازات ها به عنوان ضمانت اجرای در نقش مجازات جایگزین در زمره مجازات هایی می باشد که به دلایل مختلف مورد استقبال سیاست جنایی تقنینی کشورهای مختلف قرار گرفته است. (گلدوزیان، ۱۳۸۶: ص ۳۲۵) جزای نقدی به عنوان جایگزین حبس و حبس های کوتاه مدت از اقبال زیادی برخوردار بوده و تا حدودی چهره رویکرد کیفری را متفاوت کرده است و در جهت کم کردن از جمعیت زندان ها به خاطر جرائم کم اهمیت گام مثبتی به شمار می آید. (ولیدی، ۱۳۸۵: ص ۱۹۲) به عبارت دیگر، این کیفر یکی از برنامه های مجازات حبس چه به شکل مستقل و چه به شکل تبدیلی در اکثر کشورها از جمله ایران مورد استفاده قرار می گیرد. به هر حال در خصوص تعلیق اجرای مجازات می توان گفت که این نهاد یک نهاد با سابقه در قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران می باشد. در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، به موجب مواد ۴۶^۱ الی ۵۵، این تأسیس حقوقی در مجازات های تعزیری وجود دارد. قانونگذار با ایجاد نهاد تعلیق اجرای مجازات، هدف تعلیق را بدون اجرا ماندن حکم مجازات دانسته و فرصتی را در جهت جبران مافات به بزهکار در چارچوب رعایت شرایط و اصولی اعطاء

۱- ماده ۴۶ ق.م.ا ۱۳۹۲ اشعار می دارد: «در جرایم تعزیری درجه ۳ تا ۸ دادگاه می تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از ۱ تا ۵ سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک سوم مجازات می تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می تواند پس از تحمل یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید». نهاد تعلیق اجرای مجازات در مورد مجازات های موجب قصاص، دیه، حدود، تعزیرات درجه ۱ و ۲ و تعزیرات منصوص شرعی اعمال نمی شود.



می‌نماید، و مراقبت‌های پس از صدور آن را به نحو مطلوب می‌بایستی مطابق قواعد به انجام رساند تا روحیه‌ی تبهکاری مجرم و جرأت او نسبت به ارتکاب جرم محدود شده باشد. به عبارتی رسالت قانونگذار بیشتر در اهداف بلند مدت که عبارت از پیشگیری از وقوع جرم و توجه به فرآیند تربیت و رشد انسان است، متمرکز شده است تا به هدف نهایی خود که همانا حفظ نظم و برقراری امنیت در جامعه و صیانت از حقوق افراد می‌باشد، نائل گردد. لذا تعلیق اجرای مجازات به عنوان راهکاری جهت جلوگیری از سلب آزادی، سلب امکان کسب و کار و درآمد از متهمان و مجرمین اتفاقی و فاقد سوء سابقه وارد می‌شود و از ضربه‌ی مهلکی که به فرد در نتیجه انقطاع ارتکاب خانوادگی، اجتماعی و شغلی وارد می‌گردد، جلوگیری می‌کند. (میرزایی یزدی و موسوی، ۱۳۹۹: ص ۲۶۸) تعلیق اجرای مجازات بدین معناست که اجرای تمام یا قسمتی از مجازات تعزیری در مورد محکوم علیه با شرایط خاصی معلق می‌شود تا چنانچه در مدت معینی مرتکب جرم نگردد و از دستورات دادگاه تبعیت نماید، محکومیت او کان لم یکن تلقی می‌شود. (اردبیلی، ۱۳۹۳: ج ۳، ص ۲۴۰) جلوگیری از تحمل عواقب زیان بار مجازات‌های زندانی از ناحیه‌ی مرتکب و خانواده‌ی او، بهره‌مندی جامعه از نیروی کار مجرم، فرصت دادن به مجرم جهت انطباق رفتار خود با هنجارهای جامعه و نهایتاً رعایت اصل تفرید مجازات‌ها و گاهی توسل به انصاف در اجرای امور کیفری، جملگی توجیهاتی است که برای توسل به سازوکار نهاد «تعلیق اجرای مجازات» بیان شده است. به خصوص این که آثار زیان بار بسیاری از جرایم، به حدی نیست که جامعه خواهان کیفر دادن مرتکب باشد. (مصدق، ۱۳۹۴: ص ۳۴۱)

امروزه، تعلیق اجرای مجازات، به عنوان یکی از مجازات‌های جایگزین یا مجازات‌های بینابینی، مطرح است. برای اجرای تعلیق مراقبتی، بسیاری از کشورها با ایجاد نهادهای اجتماعی مناسب، قدم‌های مؤثری را در راه اصلاح بزهکاران غیرخطرناک برداشته‌اند. در کشور ما نیز از اوایل قرن حاضر ایده تعلیق مجازات در قوانین جزایی نمود پیدا کرد. لیکن متأسفانه علی‌رغم گذشت سال‌ها از تاریخ تصویب آن، هیچ نهاد متناسبی برای ساماندهی و نظارت بر امر تعلیق مجازات به وجود نیامده است. این کمبود در عمل دادگاه‌ها را به صدور قرارهای ساده



متمايل کرده و نوعاً در قضاات اشتياقی برای صدور تعليق مراقبتی^۱ مشاهده نمی شود. متأسفانه رويه قضایی کشور ما با نهاد تعليق مجازات، برخورد جدی ندارد و در عمل از آن صرفاً به عنوان یکی از روش های تخفیف مجازات، استفاده می کند و بر این اساس حساسیت لازم در قضاات برای رعایت شرایط قانونی تعليق، مشاهده نمی شود. (میرزایی یزدی و موسوی، ۱۳۹۹: ص ۲۶۸) با این وجود برخی از حقوقدانان معتقدند که تعليق اجرای مجازات و آزادی مشروط را نمی توان از گونه های واقعی جایگزین مجازات زندان (به عنوان کیفر مستقل) به حساب آورد، ولی می توان جزء راه حل های جایگزین در معنی عام تلقی نمود. (حاجی تبار فیروزجانی و صفاری، ۱۳۹۳: ص ۷۱)

در خصوص نهاد آزادی مشروط زندانیان محکوم به حبس راهکاری مفید و مؤثری در کاهش جمعیت کیفری است. بنابراین آزادی مشروط به عنوان یکی از مبانی سیاست جنایی جدید، از یک طرف زندانی را به رعایت مقررات زندان وادار می کند و به رعایت حسن اخلاق و رفتار سوق می دهد و از سویی دیگر وی و خانواده ی او را از آثار زیان بار تداوم اجرای مجازات حبس رهنانیده و با تلاش زندانی جهت اصلاح رفتار خود در زمان تحمل حبس و سعی در رعایت قواعد اجتماعی در مدت آزادی مشروط در خارج از زندان، دفاع جامعه را نیز تأمین می نماید. این نهاد تدبیری معقول و راهکاری مناسب در کاهش جمعیت کیفری زندان، تقلیل هزینه های دولت، کمک به مجرم برای بازگشت به جامعه و ادامه ی سرپرستی خانواده ی خود محسوب می شود. قضاات، توسل به این نهاد را باید به عنوان یک وظیفه ی مقدس، اخلاقی و اجتماعی تلقی کنند، نه به عنوان اختیاری قانونی. به هر حال، آزادی مشروط، تعليق مدتی از مجازات حبس است به شرط این که محکوم نسبت به باز اجتماعی شدن خود تعهد جدی دهد. (مصدق، ۱۳۹۴: ص ۳۴۲) با این وجود، اعطای آزادی مشروط زندانیان را تشویق می کند که در

۱- تعليق مراقبتی به موجب ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ عبارت است از: متوقف شدن اجرای تمام یا قسمتی از مجازات همراه با الزام بزهکار به انجام دستورهایی را تعليق مراقبتی گویند. در این روش بزهکار نسبت به اجرای دستوراتی که مقام قضایی تعیین می کند، متعهد گردیده و در نتیجه مجازات تعیین شده برای یک دوره ی زمانی مشخص، معلق می شود. (کواچی هامایی، ۱۳۷۷، ص ۷۷)

مدت اجرای مجازات مستمراً از خود حسن رفتار نشان دهند. علاوه بر آن هدف عدالت کیفری وقتی با اصلاح بزهکار تأمین شد، ادامه مجازات آنها بیهوده است. (اردبیلی، ۱۳۹۳: ج ۳/ ص ۲۲۹) امتیازی که آزادی مشروط نسبت به تعلیق اجرای مجازات دارد آن است که در آزادی مشروط، محکوم علیه متنیه می‌شود و طعم مجازات حبس را می‌چشد بنابراین کمتر امکان ارتکاب جرم از سوی وی می‌رود اما در تعلیق مجازات، محکوم علیه بدون اینکه مجازات را بچشد از تحمل آن معاف می‌شود و چه بسا که مجدداً مرتکب جرم شود. (زراعت، ۱۳۸۰: ص ۱۳۵) آزادی مشروط اختصاص به مجازات حبس دارد اما با توجه به ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی، منحصر به حبس تعزیری است و حبس حدی را شامل نمی‌شود. (اردبیلی، ۱۳۹۳: ج ۳/ ص ۲۲۷) در مورد این نهاد، قانون کاهش حبس تعزیری تغییراتی ایجاد نموده و براساس مواد ۵۸ الی ۶۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اجرا و اعمال می‌گردد.

نتایج تحقیق

زندانی بودن زنان یکی از خطرانی است که خانواده ممکن است با آن روبرو شود و این مسأله کارکرد خانواده را بهم می‌ریزد. لذا، لزوم به کارگیری اقدامات حمایتی جهت رفع خطر از خانواده زندانیان زن ضروری می‌باشد. در سیاست جنایی قضایی و اجرایی کشور گام‌های مهمی در راستای حمایت از خانواده زندانیان زن صورت گرفته است و نهادهای خدماتی متعددی از خانواده زندانیان حمایت می‌کنند از قبیل؛ انجمن حمایت از خانواده زندانیان، بنیاد تعاون حمایت از زندانیان، مراکز مراقبت بعد از خروج، ستادهای دیه، مراکز مشاوره و روان درمانی، بهزیستی، فنی حرفه ای، صنایع دستی، مراکز خیریه، کمیته امداد امام خمینی و نهادهایی که در امر حمایت‌های اقتصادی نظیر آموزش‌های حرفه‌ای و ایجاد اشتغال و یا پرداخت وام و حمایت‌های فرهنگی مانند تشکیل دوره‌های آموزشی نظیر مهارت‌های زندگی فعالیت می‌کنند. گرچه نهادها و مؤسسات مختلفی برای حمایت از خانواده‌های زندانیان به ویژه زندانیان زن فعالیت می‌کنند اما هنوز قریب به نیمی از خانواده‌های زندانیان؛ از انواع حمایت‌ها محروم هستند. نوع و نحوه ارائه حمایت‌ها نیز به نحو مطلوب صورت نمی‌گیرد. در نبود کمک‌های



دولتی، حمایت خیرین به تنهایی پاسخگوی این نیازها نیست. همچنین حمایت‌های مقطعی با سرانه‌های بسیار پایین هیچ مشکلی را برطرف نمی‌کند. لذا باید با یک برنامه ریزی هماهنگ و با توجه به اصل رعایت کرامت انسانی این خانواده‌ها، برای رفع مشکل و حل مسأله آنها قدم برداشت. تسهیلات و حمایت‌ها در جهت توان افزایش خانواده‌های زندانیان به کار گرفته شود تا در یک فرآیند طراحی شده، پس از گذشت مدتی از حمایت‌های هدفمند، خانواده‌ها به استقلال کافی برسند و بتوانند براساس ایده‌های خود، در جهت بهبود وضع زندگی شان اقدام کنند. توجه به این نکته حائز اهمیت است که این خانواده‌ها نیاز به ترمیم ذهنی نیز دارند و لازم است تا از طریق برنامه‌های فرهنگی، هم نوع نگاه‌ها به این خانواده‌های آسیب دیده اصلاح شود و هم ذهنیت آنها نسبت به خودشان به گونه‌ای تغییر یابد که با امیدواری، سختی‌ها را پشت سرگذارند و برای بهتر شدن شرایط خود و سایر اعضای خانواده تلاش کنند. بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی و سایر سازمان‌های حمایت کننده باید هم افزا و هماهنگ کار کنند. قطعاً هر کدام از این دستگاه‌ها اقدامات ارزشمندی انجام می‌دهند اما با هم افزایشی می‌توان در مدت کوتاه و با کیفیت بیشتر به ارائه خدمت پرداخت.

پیشنهادها

- برای رفع این مشکلات و حمایت دقیق سیاست جنایی قضایی و اجرایی از خانواده زندانیان زن می‌توان راهکارهای را ارائه نمود:
- بسیاری از خانواده‌های زندانیان زن بالاحص خانواده‌هایی که در شهرستان‌های کوچک یا روستاها زندگی می‌کنند و همچنین اقلیت‌های قومی و مذهبی (بلوچ، عرب و اهل تسنن) که وضعیت مناسبی هم ندارند تحت پوشش نهاد حمایتی قرار ندارند یا اینکه از وجود چنین نهاد‌های بی اطلاع هستند، لکن ضروری است که هرچه زودتر مدیران نهاد‌های حمایتی فکری برای این مشکل نمایند که این خانواده‌ها تحت پوشش قرار گیرند تا محرومیت آنها به حداقل برسد.
 - تصویب قوانینی جامع و کامل در زمینه حمایت از خانواده زندانیان به ویژه زندانیان زن.

منابع فارسی

قرآن کریم

۱. اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۳، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
۲. امیدیان، مهدی، سبحانی، شعبان، بررسی فقهی و حقوقی حمایت از خانواده زندانیان، چهارمین کنفرانس ملی علوم انسانی، ۴ مرداد ۱۳۹۸.
۳. ایزدپناه، غلامرضا، ایزدپناه، وجیهه، حقوق زندانیان از منظر فقه امامیه و حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین المللی، نشریه تمدن حقوقی، دوره ۴، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ۳۸۳-۴۰۵.
۴. باقی، عمادالدین، موسوی، میرطاهر، پیامدهای زندانی شدن بر خانواده زندانیان، نشریه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۶، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶، ۵۱۷-۵۵۰.
۵. بهره مند، حمید، احمدزاده، رسول، رستمی، سینا، واکاوی نهادهای ارفاقی در جرایم مواد مخدر، فصلنامه علمی و ترویجی کارآگاه، سال نهم، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۹۶، ۳۹-.
۶. حاجی تبار فیروزجایی، حسن، صفاری، علی، ۱۳۹۳، مجازات‌های جایگزین حبس در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات فردوسی.
۷. حسین زاده، عارف، ویروس کرونا و اقدامات قوه قضائیه پسا کرونا، فرصت‌ها و تهدیدها، پژوهشکده سیاست پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت، ۱۳۹۹، ۱-۲۰.
۸. رجبی پور، محمود، ۱۳۹۲، پژوهشی در مبانی پیشگیری اجتماعی رشد مدار از بزه کاری اطفال و نوجوانان، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
۹. زراعت، عباس؛ ۱۳۸۰، شرح قانون مجازات اسلامی بخش کلیات (حقوق جزای عمومی)، چاپ دوم، تهران: انتشارات ققنوس.
۱۰. شجاعی، محمدرضا، ۱۳۹۴، نقش سازمان بهزیستی کشور در پیشگیری از جرم، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی شهید اشرافی اصفهانی.
۱۱. صالحی، هانیه، ۱۴۰۱، حقوق خانواده‌های زندانیان زن در نظام حقوقی ایران و اسناد





- بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب.
۱۲. عظیمی زاده اردبیلی، فائزه، حسابی، ساره، سیاست جنایی و تطور مفهومی آن، فصلنامه تعالی حقوق، شماره ۱۵، بهمن و اسفند ۱۳۹۰، ۱۱۳-۱۳۳.
۱۳. غلامپور، مهدی، فرجیها، محمد، صابر، محمود، حبیب زاده، محمدجعفر، سازوکارهای نظارت بر بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری تطبیقی، نشریه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۲، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷، ۱۹۱-۲۱۹.
۱۴. فرجیها، محمد، مقدسی، محمدباقر، حق متهم برای مطلع ساختن اعضای خانواده خود نسبت به دستگیری و محل بازداشت، نشریه آگاه، سال چهارم، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۹۰، ۱۹-۳۳.
۱۵. فرقدان، علی اصغر، تأثیر محکومیت زندان بر خانواده‌ها و کودکان زندانیان، ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۹۸، ۱۳۸۹، ۷-۹.
۱۶. فلاح تفتی، فاطمه، مؤذن کلور، گل صنم، تعهدات فقهی-حقوقی حکومت اسلامی در سیانت از نهاد خانواده زندانیان، مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، سال سوم، شماره ۳۰، دی ۱۴۰۰، ۷۷-۹۵.
۱۷. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، الجامع الصحیح، جلد ششم، استانبول: دارالطباعة العامرة، ۱۳۳۴ قمری.
۱۸. کرمی، امیرحسین، ۱۳۹۵، تضمینات حقوق بشری در مورد زندانیان از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت.
۱۹. کوشا، جعفر، دهقانی سائیج، محمدرضا، سیاست جنایی در جرایم اقتصادی، فصلنامه دانش حقوق و مالیه، شماره ۲، ۱۳۹۶، ۸۵-۱۰۱.
۲۰. گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۶، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، سه جلدی، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات میزان.
۲۱. محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۳۸۳، قواعد فقه (بخش جزایی)، چاپ چهارم، تهران:



مرکز نشر علوم اسلامی.

۲۲. مصدق، محمد، ۱۳۹۴، شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکردی کاربردی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات جنگل.
۲۳. معروفی، یحیی، پیامدهای زندانی شدن والدین بر عملکرد تحصیلی فرزندان، فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره ۶، شماره ۴ (شماره پیاپی ۲۴)، زمستان ۱۳۸۹، ۴۷۰-۴۸۲.
۲۴. میرزایی یزدی، زهرا، موسوی، سیداسماعیل، تأثیر قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ بر کیفرزدایی، فصلنامه بین‌المللی قانون یار، دوره چهارم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۹۹، ۲۵۵-۲۸۶.
۲۵. نافی، ایوب، ۱۳۸۷، پیشگیری از جرم در ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، رویکرد چند نهادی به پیشگیری از جرم (مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم)، چاپ اول، انتشارات معاونت آموزش ناجا.
۲۶. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، ۱۳۷۷، دانشنامه جرم‌شناسی (انگلیسی-فرانسه-فارسی)، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی و گنج دانش.
۲۷. نیازپور، امیرحسین، ۱۳۹۰، پیشگیری از بزه کاری فرزندان زندانیان؛ با نگاهی به سیاست جنایی ایران، دایرة المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
۲۸. نیازپور، امیرحسین، اقدام‌های دستگاه‌های دولتی ایران در زمینه پیشگیری از بزهکاری، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۳، شماره ۲۰ (شماره پیاپی ۲۰)، تیر ۱۳۸۵، ۶۱-۸۸.
۲۹. نیازپور، امیرحسین، بازپروری بزهکاران در مقررات ایران، فصلنامه حقوق اسلامی (فصلنامه علمی-پژوهشی)، دوره ۳، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۸۵، ۱۴۵-۱۶۴.
۳۰. ولیدی، محمدصالح، ۱۳۸۵، حقوق جزای عمومی، جلد چهارم، چاپ پنجم، تهران: انتشارات داد.
۳۱. هامایی، کوایچی؛ ۱۳۷۷، تعلیق مراقبتی در دنیا: پژوهشی تطبیقی، مترجم: آقایی نیا،

حسین؛ چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

قوانین و مقررات

۱. آیین نامه انجمن‌های حمایت زندانیان ۱۳۶۰ اصلاحی ۱۳۶۳.
۲. آیین نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی ۱۴۰۰
۳. بخشنامه تبیین حقوق بازداشت‌شدگان، رعایت کرامت آنان و نحوه نظارت بر بازداشتگاه‌ها ۱۴۰۰.
۴. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.
۵. قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱.
۶. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
۷. قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹.

